یادداشت روز

غرب، اصلاحات زیبا و ارّه استخوان‌بُر!

سه‌شنبه سه هفته پیش ساعت ۱۳ و ۱۴ دقیقه مردی وارد یک ساختمان دیپلماتیک شد و کمتر از دو ساعت بعد در حالی که با اره استخوان‌بُر قطعه قطعه شده بود، در چند چمدان مجزا از ساختمان خارج شد. نامزدش چند قدم آن طرف‌تر منتظرش ایستاده بود! بخشی از جسد برای پدرخوانده برده می‌شود. این داستان دو خطی بیش از آنکه هولناک باشد، آدم را یاد فیلم‌های سرگرم‌کننده‌ای مثل سری فیلم‌های «اره» می‌اندازد. یک «بی مووی» سرگرم‌کننده که تا سری هفتم آن نیز ساخته شده است. داستان جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار سعودی ساکن آمریکا، بار دراماتیک بالایی برای تبدیل شدن به یک فیلم سینمایی مهیج و جذاب در ژانر جنایی یا وحشت را دارد و اگر هالیوود به سرعت سراغ آن نرود جای سؤال و تامل جدی خواهد بود!

واکنش ریاض به ماجرای ناپدید شدن خاشقجی، لایه طنزآمیز داستان را تکمیل کرد. سرکنسول عربستان در اسلامبول را تصور کنید که ۵ روز پس از ماجرا، درب کمدها و کشوها را برای خبرنگاران رویترز باز می‌کرد و می‌گفت ببینید جمال اینجا نیست! پس از ۱۸ روز انکار بالاخره به قتل اعتراف کردند و مدعی شدند قرار بوده با خاشقجی مذاکره شود اما به خشونت کشیده شده و طرف مرده است. دو روز بعد هم روایت مضحک دیگری رو کردند و گفتند طرف سر و صدا راه انداخته برای ساکت کردن جیغ و داد، دست روی دهانش گذاشته‌اند و وقتی برمی‌دارند... همین که سعودی‌ها تا کنون نگفته‌اند خاشقجی اره را برداشت و مثل شخصیت فیلم اره افتاد به جان خودش، جای شکرش باقیست!

سه هفته است که رسانه‌های بزرگ غربی - بخصوص آمریکایی- مشغول پیگیری مداوم و لحظه به لحظه ماجرا هستند و همه چیز را زیرذره بین برده‌اند و مو را از ماست می‌کشند. ظاهر زیبا و افتخارآمیزی دارد. روزنامه‌نگاری ناپدید شده و رسانه‌ها آنقدر سماجت می‌کنند و با پیگیری خود نمی‌گذارند ماجرا از نفس بیافتد که بالاخره عاملان مجبور می‌شوند اعتراف کنند که قربانی را کشته‌اند. اما برای آنان که کمتر مقهور این شعبده‌بازی‌ها می‌شوند، این برخورد نه تنها نشانه مسئولیت‌پذیری نیست بلکه اشک تمساحی است که پس از بلعیدن قربانی خود می‌ریزد.

اینک اغلب رسانه‌ها و سیاستمداران غربی مشغول ریختن اشک تمساح هستند و از لزوم برخورد جدی با عربستان سعودی و بخصوص شخص محمد بن سلمان، ولیعهد جوان و جاهل این کشور می‌گویند. مدعوین حقیقی و حقوقی «داووس صحرا» یکی پس از دیگری کارت دعوت ریاض را پس می‌فرستند و کار به جایی رسیده که حتی ترامپ هم مجبور به تغییر ملایم لحن خود در پذیرش بی‌چون و چرای روایت مضحک سعودی از این جنایت شد. البته در این میان برخی رسانه‌های آمریکایی که در وقاحت صراحت بیشتری دارند، حرف آخر را اول می‌زنند و علناً می‌گویند نباید با عربستان سعودی برخورد کرد چرا که برخورد با این کشور با راهبرد منطقه‌ای آمریکا در تضاد است.

یکی از این رسانه‌ها روزنامه وال استریت ژورنال است. «والتر راسل مید» -عضو اندیشکده هادسون و ستون‌نویس وال استریت ژورنال- چند روز پیش در این روزنامه نوشت عربستان برای این قتل قابل سرزنش است اما فراموش نکنید که هنوز هم منافع ما را در منطقه تامین می‌کند و نباید کاری کرد که موجب سود بردن ایران شود! نمونه دیگر آن روزنامه واشنگتن اگزماینر است که سه روز پیش در تحلیلی نوشت؛ «در این ماجرا هیچ مسئله اخلاقی‌ای وجود ندارد و مسئله منافع آمریکا در خاورمیانه است. آمریکا برای تامین منافع خود نیاز به کنار آمدن با برخی زیاده‌روی‌ها دارد اما ابعاد این زیاده‌روی را باید آمریکا تعیین کند و نه عربستان سعودی.»

ربایش و قتل جمال خاشقجی بیش از آنکه شاهدی بر خوی جنایتکارانه سعودی باشد، سند رسوایی و بی‌آبرویی غرب است. ماجرایی که نوری دیرهنگام و ضعیف به رابطه تاریک و سراسر فاسد آمریکا و آل‌سعود افکند. چرایی جنجالی شدن این پرونده دلایل متفاوت و مختلفی دارد اما تا آنجا که به آمریکا مربوط می‌شود اگر جنگ عریان و بی‌پروای ترامپ با برخی رسانه‌های جریان اصلی آمریکا نبود و خاشقجی با بخشی از سیا ارتباط نداشت، همین نور اندک و ضعیف نیز مجال تابش نمی‌یافت.

هیچکس بیش از ترامپ به عمق این فساد سیستماتیک و نهادینه شده واقف نیست. ترامپ در تور تبلیغات انتخاباتی خود در ایالت آیووا گفته بود؛ «من می‌توانم در وسط خیابان پنجم بایستم و به یک نفر شلیک کنم و حمایت هیچ رای‌دهنده‌ای را هم از دست نمی‌دهم.» وقتی رئیس‌جمهور آمریکا می‌تواند چنین کاری کند، چرا مزدور منطقه‌ای آنکه نسبتش با صندوق رای و رای‌دهنده، نسبت جن و بسم‌الله است، در دست زدن به چنین جنایتی باید تردید به خود راه دهد؟!

برخی این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا ولیعهد سعودی آنقدر ابله است که فکر نمی‌کرد این جنایت چه تبعاتی خواهد داشت؟ بله! اما مسئله بیش از آنکه مربوط به بلاهت بن سلمان باشد به ریاکاری و جانی‌پروری غرب ارتباط دارد. سال گذشته ولیعهد سعودی نخست‌وزیر یک کشور را ربود و تا روزها خبری از وضعیت وی نبود. اما هیچ واکنشی برای این رفتار بد وی از سوی رسانه‌ها و سیاستمداران غربی ندید. کشتار روزانه و سیستماتیک مردم بی‌پناه یمن مورد دیگری است که غربی‌ها نه تنها چشم خود را به روی آن بسته‌اند بلکه به طور مستقیم در آن مشارکت فعال دارند. وقتی می‌توان ۵۰ کودک یمنی را در حمله به یک اتوبوس تکه تکه کرد و صدایی از دنیا برنمی‌خیزد، چرا باید درباره قتل یک روزنامه‌نگار که فقط اندکی با سیستم زاویه پیدا کرده، تردید کرد؟

قاتلان واقعی جمال خاشقجی همانهایی هستند که امروز برایش اشک تمساح می‌ریزند؛ سیاستمداران و رسانه‌های غربی. همان سیاستمدارانی که با حکام جنایتکار آل‌سعود رقص شمشیر می‌کنند و چشم خود را به روی جنایات آشکار آن می‌بندند. همان رسانه‌هایی که برای تطهیر دست‌های آلوده بن سلمان، تبدیل به دستمال شدند تا او را اصلاح‌گری جوان و مشتاق تغییر جلوه دهند. تمام افتخار این پروژه پر سر و صدا اما توخالی از آن مردی است که به زنان اجازه رانندگی می‌دهد و سعودی‌ها را با چیزی به نام سالن سینما آشنا می‌کند و در عین حال ۱۵ تن از افراد نزدیک و مورد اعتمادش را با دو جت اختصاصی راهی کشوری دیگر می‌کند تا با اره استخوان‌بُر با منتقدان خود مذاکره کنند!

رابطه آمریکا و آل‌سعود، یادآور رابطه این کشور با حکومت پهلوی است و نمایش‌های مضحکی مانند «داووس صحرا» چیزی شبیه جشن‌های ۲۵۰۰ ساله پهلوی است. نمایش شکوه و قدرت پادشاه ایران در آن جشن کذایی، همانقدر مضحک بود که سیرک سعودی برای ورود به فضا و عرصه تکنولوژی‌های نوین! مهمانانی که می‌خورند و می‌برند و در دل به توهم و حماقت میزبان می‌خندند. حمایت همه‌جانبه آمریکا از پهلوی و چک سفید به شاه خودکامه و جنایتکار ایران، نقشی اساسی در توهم رژیم و تسریع سقوط آن داشت. آمریکایی‌ها از رخداد ۴۰ سال پیش درس نگرفتند و دلارهای نفتی عربستان، چشم آنها را بسته و دست سعودی را برای ارتکاب به هر جنایتی باز گذاشته است. همراهی ترامپ با دربار آل‌سعود برای ختم این پرونده جنایی، نه تنها جای نگرانی و ناامیدی ندارد بلکه ترغیب‌کننده سعودی به حماقت‌های بزرگ‌تر و در نتیجه، سقوط سریع‌تر است.

محمد صرفی

فرانسه به ایران اجازه نداد در نمایشگاه غذایی شرکت کند!

فهرست طولانی خصومت‌های پاریس در سایه انفعال دیپلماسی تهران

سرویس سیاسی-

در سایه سکوت و بی‌عملی دولت و دستگاه دیپلماسی، فرانسه روز به روز بر اقدامات خصمانه علیه ملت ایران می‌افزاید. از توهین‌های دیپلماتیک تا بستن پاویون ایران در نمایشگاه.

در شهریورماه سال‌جاری، تعدادی از اعضای گروهک‌های تروریستی به سفارت ایران در فرانسه تعرض کردند. نکته قابل تأمل اینجاست که پلیس فرانسه علیرغم اطلاع قبلی، برای جلوگیری از این تعرض در محل حاضر نشد!

اما اقدام خصمانه فرانسه علیه ایران در ماه‌های اخیر به این مورد ختم نشد. در هفته‌های گذشته فرانسه در اقدامی گستاخانه یکی از دیپلمات‌های ایرانی را از این کشور اخراج کرد.

اخراج دیپلمات و محدودیت دیپلماتیک

خودداری از معرفی سفیر، ایجاد محدودیت برای سفر دیپلمات‌های ایرانی در پاریس، بخشنامه رسمی وزارت خارجه فرانسه مبنی بر ممنوعیت سفر دیپلمات‌ها و حتی کارگزاران رسمی به ایران و عدم صدور کارت شناسایی(اقامت) برای همسران و دختران دیپلمات‌های جدید ایرانی تا مادامی که کشف حجاب! نکنند را نیز باید به فهرست اقدامات ضدایرانی فرانسه در حوزه دیپلماتیک اضافه کرد.

بستن پاویون ایران

اقدامات خصمانه فرانسه در ماه‌های اخیر به حوزه دیپلماتیک محدود نمی‌باشد.

از ۲۹ مهر تا ۳ آبان ۹۷ نمایشگاه بین‌المللی مواد غذایی پاریس موسوم به SIAL برگزار می‌شود. نکته قابل تأمل اینجاست که فرانسه، پاویون ایران در نمایشگاه مذکور را بسته است و در ادامه این رفتار خصمانه، حضور بازرگانان و شرکت‌کنندگان ایرانی برای بازدید از این نمایشگاه را نیز ممنوع اعلام کرده است.

اروپایی که به آن دل بسته‌اید!

نمایشگاه فرانسوی SIAL که نمایشگاه تخصصی مواد غذایی است امسال برگزاری این نمایشگاه را به یک شرکت آمریکایی سپرده است.

آنچنان که فعالان صنایع غذایی گفته‌اند در این نمایشگاه نه تنها شرکت مواد غذایی ایرانی را برخلاف سال‌های قبل نپذیرفته‌اند بلکه حتی از ورود ایرانیان به عنوان بازدیدکننده نیز جلوگیری به‌عمل آورده‌اند.

این اقدامات هماهنگ فرانسه و آمریکا درحالی است که دولتمردان و طیف آن در چند سال اخیر سعی کرده‌اند تا با عمل یکجانبه به تعهدات خود راه هرگونه مانع‌تراشی را سد کنند، اما چنانکه منتقدان می‌گفتند می‌بینیم که آمریکا و اروپا دستشان از بهانه‌های واهی خالی نمی‌شود.

نکته دیگر این است که متاسفانه دولتمردان و حامیان آنها به اروپا دل خوش کرده‌اند تا در مقابل آمریکا بایستد اما از ادعا و حرف و سخن که بگذریم در عرصه حقایق و عملکردها اکنون فرانسه در خاک خود به شرکت‌های مواد غذایی ایرانی اجازه حضور نمی‌دهد و برای فراهم آوردن توجیه، سپردن نمایشگاه به شرکت آمریکایی بهترین فکری بود که به ذهن مقامات فرانسوی رسیده است.

تا کجا این طیف در داخل می‌خواهد به بازی خوردن خود در میان آمریکا و اروپا ادامه دهد؟!

بلوکه کردن اموال ایران

در روزهای گذشته فرماندار شمال فرانسه در اقدامی خصمانه فرمان تعطیلی مرکز شیعی الزهرا واقع در «گراند سنت» شهر «دانکرک» را صادر کرد.

مرکز الزهرا متهم شده است که پیام‌هایی در راستای مشروعیت بخشیدن به جهاد مسلحانه منتشر کرده است و اقداماتی در راستای گسترش نفرت، تبعیض و خشونت صورت داده است. فرانسوی‌ها مدعی‌اند که از این مرکز سلاح هم کشف شده است.

لازم به ذکر است که ۱۰ مهرماه، پلیس فرانسه با ۲۰۰ کماندو خود به دفتر مرکز اسلامی «الزهرا» حمله کرده بود و ضمن تخریب و توقیف بخش مهمی از امکانات این دفتر، یازده تن از اعضای این مرکز از جمله یحیی قواسمی (مدیر مرکز اسلامی الزهرا) را بازداشت کرد.

همچنین ۱۰ مهرماه سالجاری، فرانسه در اقدامی خصمانه اموال وزارت اطلاعات و دو ایرانی در فرانسه را بلوکه کرد.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

حاجت!

گفت: فرانسه شرکت تولیدکنندگان ایرانی در نمایشگاه بین‌المللی مواد غذایی را که هر دو سال یک‌بار در پاریس برگزار می‌شود ممنوع کرد!

گفتم: ولی سال‌های گذشته تولیدکنندگان ایرانی در این نمایشگاه شرکت می‌کردند، چرا امسال حضور آنها را ممنوع کرده‌اند؟!

گفت: برگزارکننده امسال این نمایشگاه یک شرکت آمریکایی است که نه فقط حضور شرکت‌های ایرانی را ممنوع کرده بلکه به هیچ بازدیدکننده ایرانی هم اجازه ورود به نمایشگاه نمی‌دهد!

گفتم: نمایشگاه در خاک فرانسه برگزار می‌شود، یعنی دولت فرانسه حق دخالت در امور کشور خود را هم ندارد؟!

گفت: اگر حق دخالت داشت که دستور شرکت آمریکایی را بی‌چون و چرا اجرا نمی‌کرد!

گفتم: دولت خودمان که می‌گوید تمام کشورهای اروپایی پشت ایران ایستاده و به خاطر حمایت از ایران با آمریکا به مخالفت برخاسته‌اند!

گفت: سالی که نکوست از بهارش پیداست! فرانسه حتی حاضر نیست با یک شرکت آمریکایی مخالفت کند و علنا به ایران و ایرانی اهانت می‌کند آن‌وقت انتظار داری به خاطر حمایت از ایران با دولت آمریکا مخالفت کند؟! حیف از آن‌همه امتیاز مفت که به آنها داده‌ایم!

گفتم: یارو دستش به آفتابه خورد ناگهان غول جادو بیرون آمد و گفت؛ یک حاجتت را برآورده می‌کنم. یارو گفت؛ یک خانه می‌خواهم. غول جادو گفت؛ مرد حسابی! من اگر خانه داشتم که توی آفتابه زندگی نمی‌کردم!

جوابیه وزارت نفت درباره یک فیش نجومی و پاسخ کیهان

روز یکشنبه کیهان با انتشار فیش حقوقی یکی از مدیران نفتی از حقوق ۳۷ میلیونی وی انتقاد کرد. روابط عمومی وزارت نفت در واکنش به این خبر، پاسخی را برای روزنامه ارسال کرده که به شرح زیر است؛

«ظرف چند روز گذشته برخی سایت‌ها در اقدامی غیر اخلاقی فیش حقوقی مربوط به جناب آقای علی کاردر، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران و یکی از مدیران پاک دست و مورد وثوق نظام را که در ماه پایانی حضورشان در صنعت نفت معوقات و سهم پس‌انداز شده در صندوق‌های قرض‌الحسنه ایشان عودت داده شده است را منتشر و مبلغ ۳۷ میلیون تومان را به عنوان حقوق ثابت دریافتی ایشان اعلام کردند. از شبه رسانه‌های بی‌نام و نشان البته توقعی نیست اما قطعا این انتظار از روزنامه با سابقه کیهان می‌رفت که در بازنشر این خبر دقت می‌نمود و بدون بررسی نسبت به انتشار و تحلیل آن اقدام نمی‌کرد زیرا تمامی پرداخت‌های صورت گرفته به مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران حسب ضوابط و آیین‌نامه‌های جاری صنعت نفت و دولت انجام شده و ریالی فراتر از حق و حقوق قانونی و شرعی به ایشان پرداخت نشده است.

درخصوص طرح مجدد ادعاهای روزنامه کیهان در مورد پرونده کرسنت با وجود اینکه آگاهی داریم جناب آقای حسین شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه کیهان از جزئیات این پرونده و سیر رسیدگی به آن مطلع هستند، ضمن تکذیب موضوع خسارت ۱۴ میلیارد دلاری ایران در این پرونده، به اطلاع خوانندگان محترم می‌رساند وزارت نفت در طول سال‌های گذشته به دلیل منع قانونی درخصوص انتشار موارد مربوط به پرونده کرسنت به دلیل در جریان بودن پرونده آن در دیوان داوری بین‌المللی و احتمال سوءاستفاده طرف دعوی و به خطر افتادن منافع ملی سکوت اختیار کرده است اما امیدواریم به زودی و با تعیین تکلیف و صدور رأی نهایی این پرونده، محدودیت اطلاع‌رسانی در این خصوص برداشته شود و آنگاه با انتشار حقایق این پرونده، روزنامه کیهان و جناب آقای شریعتمداری باید به دنبال متهمان اصلی این پرونده در اردوگاه فکری نزدیک به خود باشند.»

درباره پاسخ وزارت نفت چند نکته گفتنی است؛

۱- آقای کاردر از متهمان اصلی پرونده تخلفات مربوط به قرارداد کرسنت است و در شهریور ۱۳۹۵ اعلام شد برای وی از سوی دیوان عالی کشور، حکم محکومیت و انفصال از خدمت صادر شده است، با این وجود مشخص نیست که او چگونه پس از محکومیت و انفصال از خدمت در شرکت ملی نفت مشغول به فعالیت بوده است! شهریور ۱۳۹۵ با رای دیوان عالی کشور حکم محکومیت و انفصال از خدمات دولتی علی کاردر مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران و دیگر اعضای هیئت‌مدیره این شرکت تایید شد.رسانه‌ها با انتشار حکم دیوان عالی کشور تصریح کرده بودند: «این حکم که در ارتباط با قرارداد کرسنت صادر شده است قطعی بوده و هیچ مرجعی در سه قوه نمی‌تواند آنرا نقض کند.»

۲- وزارت نفت می‌گوید مبلغ ۳۷ میلیون تومان حقوق وی نبوده و پرداخت این مبلغ به دلیل معوقات و سهم پس‌انداز ایشان از صندوق‌های قرض‌الحسنه بوده است. اولاً با فردی که پیش از این بازنشسته شده و پاداش یک میلیارد تومانی گرفته، به طور منطقی باید تسویه حساب مالی شده باشد و چنین ادعایی قابل قبول نیست. دوماً اگر به راستی چنین است چرا میزان واقعی حقوق ایشان و سهم سایر پرداخت‌های جداگانه اعلام نمی‌شود تا جایی برای شک و شبهه و شایعه باقی نماند؟! راه‌حل بسیار ساده و منطقی است. وزارت نفت فیش حقوقی شش ماه پایانی حضور ایشان در این وزارتخانه را منتشر و شفاف‌سازی کند. کاری که باید طبق ماده ۲۹ قانون برنامه ششم از ابتدای سال جاری برای تمام مدیران انجام می‌شد و متاسفانه دولت به بهانه‌های مختلف از آن سر باز زده است و هر روز وعده فردا می‌دهد.

۳- و اما درخصوص پرونده کرسنت و خسارت ۱۴ میلیاردی ناشی از آنکه در خبر کیهان ذکر شده بود باید گفت این خبر را مسئولان و حامیان نزدیک به دولت منتشر کرده‌اند که به دو مورد از آنها اشاره می‌شود.

علی جنتی وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۹ خرداد ۱۳۹۴ با اشاره به پرونده پرحاشیه کرسنت در صحن علنی مجلس شورای اسلامی گفته بود: «این پرونده بسیار حساس است و ایران به میزان ۱۳ میلیارد و ۸۵۰ میلیون دلار محکوم شده است، بنده هم شخصا اعتقاد دارم که پرونده کرسنت مسائل و مشکلات زیادی را دارد و در آن سوءاستفاده‌های زیاد انجام شده و احیاناً ممکن است رشوه‌هایی داده شده باشد.»

در جریان مناظره‌های انتخابات ریاست‌جمهوری در اردیبهشت سال گذشته نیز هاشمی‌طبا خبر از جریمه ۱۴/۵ میلیارد دلاری ایران در این پرونده داده بود، فارغ از اینکه جریمه دقیق ایران در پرونده کرسنت چه بوده است باید از روابط عمومی شرکت ملی نفت پرسید آیا سخنان مسئولان و وابستگان به دولت را نیز تکذیب می‌کنید؟!

خبر ویژه

ناصری: مردم نمی‌پذیرند که جهانگیری اختیار ندارد

عضو شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان می‌گوید جهانگیری دیر جنبیده و حرف‌هایش در انتقاد از رئیس دفتر رئیس‌جمهور را باید زودتر از این می‌گفته است.

عبداله ناصری درباره سخنان اسحاق جهانگیری مبنی بر اینکه نمی‌توانم حتی منشی خود را تغییر دهم چه رسد به تغییر وزیر، به سایت انتخاب گفت: در حال حاضر نگاه مردم به گونه‌ای است که این اظهارات چیزی را تغییر نمی‌دهد و باور اجتماعی را درباره اینکه آقای جهانگیری، اختیار تغییر یک منشی را نداشته باشد، تقویت نمی‌کند. در واقع افکار عمومی نمی‌تواند این موضوع را بپذیرد.

وی افزود: همان زمانی که تغییراتی در دفتر رئیس‌جمهور به وجود آمد و صحبت از کاهش اختیارات آقای جهانگیری شد، می‌شد این صحبت‌ها را مطرح کرد. اما اکنون فرصت طلایی که آقای جهانگیری می‌توانست استعفا بدهد از بین رفته است.

او درباره علت بیان چنین اظهاراتی از سوی معاون اول رئیس‌جمهور در مقطع فعلی گفت: علت این موضوع را نمی‌دانم. باید از خود آقای جهانگیری پرسید. شاید دلیلش این باشد که وضعیت قوه مجریه و وضعیت اقتصادی را بحرانی‌تر می‌بینند و به هر حال در این شرایط لازم دانسته‌اند که این صحبت‌ها را مطرح کنند.

ناصری با تاکید بر اینکه این صحبت‌ها در شرایط فعلی، خیلی شنیده نمی‌شود، گفت: به هر حال آقای جهانگیری بنا به مقتضیات و جایگاه خودشان تصمیم‌گیری می‌کنند و صدالبته اگر شأن ایشان رعایت نشود در دولت نخواهند ماند.

ناصری درباره اینکه آیا اظهارات جهانگیری هشداری به دولت بود، گفت: آقای واعظی نسبت به روسای دفتر رئیس‌جمهور در دولت‌های گذشته به جز یکی دو مقطع مانند دولت دوم آقای احمدی‌نژاد، اختیارات فوق‌العاده‌ای دارند که در چهل سال گذشته بی‌سابقه بوده است.

از برجام دفاع می‌کنم اما متن آن را نخوانده‌ام

عضو فراکسیون امید گفت از برجام دفاع می‌کنم اما متن آن را نخوانده‌ام.

به گزارش رجانیوز، طیبه سیاوشی در گفت‌وگو با برنامه «رو در رو» در ارتباط با موضوع برجام و درباره مطلع بودن نمایندگان مجلس از متن برجام گفت که «از برجام دفاع می‌کنم اما نمی‌توانم بگویم متن کامل آن را خوانده‌ام».

وی همچنین می‌گوید: «فکر می‌کردم بعد از برجام سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در ایران صورت بگیرد اما هیچ اتفاق خاصی نیفتاد.»

همچنین سیاوشی ضمن اذعان به اینکه شعارهای اصلاح‌طلبان درباه اقتصاد کشور صرفا جنبه انتخاباتی داشته گفت: فکر نمی‌کردم اگر روحانی رای بیاورد قیمت دلار به اینجا برسد. طیبه سیاوشی درباره مبالغ دریافتی نمایندگان گفت به جز حقوق، هر نماینده تهران بابت هزینه دفاترش هر ماه ۱۸ میلیون دریافت می‌کند.

آرمان: حال دولت خوب نیست هرکسی ساز خود را می‌زند

«حال و احوال دولت روحانی خوب نیست. با یک نگاه می‌شود فهمید دولت دوازدهم، دچار یک بیماری مهلک شده است. این بیماری را می‌شود افسردگی نامید. بله،دولت دوازدهم دچار افسردگی شده است.»

روزنامه آرمان و سایت عصر ایران (از رسانه‌های حامی دولت) با انتشار مقاله مشترکی نوشتند: این دولت اصلاً شبیه وعده‌هایی که در سال ۹۲ و ۹۶ داده می‌شد نیست. دولت یازدهم آمده بود تا مشکلات کشور را حل کند و ثبات را به مردم هدیه کند. اتفاقی که تا حدودی افتاد. حال دولت و مردم هم خوب بود پاداش این تلاش‌ها هم انتخاب دوباره در اردیبهشت ۹۶ بود. حالا اما به نظر می‌رسد دولت فقط نظاره‌گر تحولات است.

تغییرات اخیر در دولت روحانی را ببینید. فلسفه تغییرات مشخص نیست. آیا این تغییرات می‌تواند اقتصاد کشور را به آرامش برساند یا خیر؟ به نظر شما کسی می‌داند استراتژی اقتصادی روحانی برای اداره کشور چیست؟ بالاخره رئیس‌جمهور می‌خواهد از کدام مدل اقتصادی برای بهبود شرایط کشور استفاده کند؟

این طور که از شواهد پیداست هرکسی در دولت ساز خود را می‌زند و هر کسی صدای سازش بلندتر باشد می‌تواند حرفش را در اقتصاد به کرسی بنشاند. واقعاً انتظار ما از دولت روحانی این «بلبشوی» سیاسی و اقتصادی نبود. روحانی در سپهر سیاست ایران به عنوان یک سیاستمدار کارکشته شناخته می‌شد که سرد و گرم روزگار را چشیده بود و انتظار می‌رفت در مشکلات ریز و درشت خم به ابرو نیاورد. به نظر می‌رسد اما حالا اجازه می‌دهد سکان کشتی دولت به هر طرفی خواست برود شاید باد بتواند این کشتی را به سرمنزل مقصود برساند. شاید باید کسی پیدا شود و شانه‌های حسن روحانی را تکان دهد و به او بگوید لطفاً امید مردم را از بین نبرد. روزی که شما در خرداد ۹۲ به عنوان رئیس‌جمهور منتخب معرفی شدید، امید همچون آب رها شده از پشت سدها در کشور جاری شد.

بله همه ما می‌دانیم ترامپ تمام تلاشش را می‌کند تا سخت‌ترین شرایط را برای ایران رقم بزند، اما این دلیل نمی‌شود که ما هم دست روی دست بگذاریم. شرایط فعلی که از زمان جنگ بدتر نیست. این قرار ما با روحانی نبود که از او عمل نبینیم و فقط سخنرانی بشنویم. سه سال دیگر تا پایان عمر دولت دوازدهم زمان باقی است و این فرصت کمی نیست.

افتخار می‌کنیم که ۱۷ میلیون نفر را صاحب خانه کردیم

وزیر پیشین راه و شهرسازی گفت افتخار می‌کنیم که برای ۱۷ میلیون ایرانی مسکن ساختیم، هر چند که فحش خوردیم.

علی نیکزاد در گفت‌وگو با ایلنا درباره مسکن مهر اظهار داشت: تلاش کردیم در دوره تحریم مشکل مسکن مردم را حل کنیم و اشتغال ایجاد کنیم.

وی گفت: مسکن مهر با محوریت انبوه‌سازان و پیمانکاران و لشگر بزرگی از مردم ساخته شد که برخلاف ادعای آقایان، ما تنها سازوکار را فراهم کردیم، دولت که خودش نمی‌تواند مسکن بسازد.

وی تاکید کرد: ما در آن زمان تسهیلات ارزان قیمت، زمین رایگان در اختیار انبوه‌سازان و مردم قرار دادیم و تخفیف در مالیات، تخفیف در صدور پروانه ساختمانی و تخفیف در ارائه خدمات نظام مهندسی را در نظر گرفتیم که بستر برای ورود انبوه‌سازان به این پروژه مهیا شود.

وی اظهار داشت: در دولت نهم و دهم ۵۰ هزار میلیارد تومان در مقطعی برای ساخت مسکن مهر در هشت سال یعنی از سال ۸۴ تا ۹۲ در نظر گرفت که از محل این پول ۴۰ هزار میلیارد تومان وام ارزان قیمت دادیم یعنی سالانه چیزی حدود ۵ هزار میلیارد تومان وام ارزان‌قیمت برای مسکن به مردم داده شد.

وزیر راه و شهرسازی دولت نهم و دهم افزود: این رقم برای خانه‌دار کردن ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار خانوار هزینه شد یعنی ۱۷ میلیون جمعیت ایرانی از این محل خانه‌دار شدند. آیا این ۱۸ میلیون نفر جمعیت ایرانی که تاکنون مسکن خریده‌اند هیچ سهمی از سفره ارزشمند انقلاب برای صاحبخانه شدن نباید داشته باشند؟

وی با اشاره به میزان نقدینگی در دولت‌های نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم گفت: در سال ۹۲ کشور را با ۴۹۲ هزار میلیارد تومان نقدینگی تحویل دولت روحانی دادیم، امروز نقدینگی به ۱۶۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. مابه‌التفاوت این دو رقم به بیش از هزار هزار میلیارد تومان می‌رسد. این نقدینگی که به بخش مسکن وارد نشده، به بخش کشاورزی هم نرفته است، به بخش تولید هم ورود پیدا نکرده است پس این میزان نقدینگی کجاست که وارد هر بازاری که می‌شود آن را ملتهب می‌کند. چرا دولت روحانی نتوانست آن را کنترل کند.

نیکزاد تاکید کرد: ما برای مسکن مهر فحش خوردیم، افتخار هم می‌کنیم که این فحش‌ها را خوردیم اما از آن ۵۰ هزار میلیارد تومان که در دولت نهم و دهم برای مسکن مهر هزینه شد ۲۰ هزار میلیارد تومان برگشته است. دولت یازدهم این ۲۰ هزار میلیارد تومان را در کجا هزینه می‌کند.

زیباکلام: تنها نقش جهانگیری در دولت نقش دردناک دلار ۴۲۰۰ تومانی بود

صادق زیباکلام با بیان اینکه «ما همه قربانیان روحانی جدید هستیم»، گفت: تنها نقش جهانگیری در دولت، نقش دردناک دلار ۴۲۰۰ تومانی بود.

درحالی‌که دلخوری جهانگیری به درگیری دامنه‌دار کارگزاران با حزب اعتدال و توسعه (تیم واعظی و نوبخت) برمی‌گردد، زیباکلام در گفت‌وگو با فرارو ادعا کرد: اصلاح‌طلبان و آقای خاتمی هزینه جدا شدن روحانی از روحانی اردیبهشت ۹۶ را می‌پردازند. همه ما قربانیان روحانی جدید هستیم که ما را فروخت و با اصولگرایان کنار آمد.(۱) آقای جهانگیری هم جزء اولین قربانیان بود. اولین علامت عوض شدن روحانی، نوع رفتاری بود که با جهانگیری داشت. ما همان اوایل دولت دوم روحانی بود که متوجه شدیم آقای جهانگیری هیچ نقشی در چینش کابینه ندارد. تنها نقش جدی که جهانگیری در دولت دوم روحانی بازی کرد نقش دردناک اعلام دلار ۴۲۰۰ تومانی بود که همه می‌دانیم این تصمیم، تصمیم آقای جهانگیری نبود، آقای جهانگیری فقط آن را اعلام کرد.

وی افزود: وقتی مصیبت‌های این تصمیم ظاهر شد هیچ یک از تصمیم‌گیرندگان اصلی دلار ۴۲۰۰ تومانی یک کلام حرف نزدند. انگار اصلا دلار ۴۲۰۰ تومانی تصمیم آقای روحانی نبود. فکر می‌کنم یک بچه دبستانی هم بتواند به ما بگوید تصمیمی به این بزرگی نمی‌تواند توسط معاون اول رئیس‌جمهور اتخاذ شود. اگر چنین تصمیم سرنوشت‌سازی توسط معاون اول رئیس‌جمهور گرفته شود، این معاون اول، نمی‌تواند اسحاق جهانگیری باشد که در دولت هیچ کاره است. اگر این تصمیم زمان آقای خاتمی یا هاشمی رفسنجانی گرفته می‌شد که در آن وزرا نقش بیشتری داشتند می‌توانستیم بگوییم معاون اول هم پاسخگو بوده است. اما در دولت دوم آقای روحانی، جهانگیری بیشتر نقش دکور دارد تا معاون اول.

وی درعین حال می‌گوید: من فکر نمی‌کنم تصمیم‌گیرندگان دلار ۴۲۰۰ تومانی می‌دانستند تصمیم آنها چنین عواقبی را به بار می‌آورد. آنها که دشمن این مملکت نبودند. اما متاسفانه مدتهاست اخلاق سیاسی در ایران پرپر شده وهیچ‌کس مسئولیت تصمیمات را برعهده نمی‌گیرد. وقتی در جوامع دموکراتیک تصمیمی به این شکل گرفته می‌شود یک عده استعفا می‌دهند و یک عده سین‌جیم می‌شوند. اما در نظام ما پاسخگویی وجود ندارد و تصمیمات کلانی که تبعات منافع ملی وحشتناک دارد فقط می‌آید و می‌رود.

این اظهارات درحالی است که آقای زیباکلام راساً چندین عذرخواهی به خاطر دادن آدرس‌های دروغ به مردم بدهکار است.

جهانگیری خواست بگوید از دست روحانی واعظی و نوبخت کلافه هستیم

عضو شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان از اظهارات اسحاق جهانگیری رازگشایی کرد. جهانگیری گفته بود حتی اختیار برکناری منشی خود را ندارد.

عبدالله ناصری مشاور خاتمی به فرارو گفت: جهانگیری با این ادبیات خواسته به جامعه و نخبگان و کنشگران بگوید از من انتظار جهانگیری گذشته را نداشته باشید. می‌خواهد بگوید آقای روحانی و نزدیکان آقای روحانی از جمله نوبخت و واعظی، دولت و اعضای دولت را به هم ریخته و کلافه کرده‌اند. حرف آقای جهانگیری گلایه معنادار و روشنی از شخص آقای روحانی است.

ناصری درباره امکان خروج جهانگیری از دولت نیز می‌گوید: این امکان وجود دارد. او حتماً باید شرایط را ببیند. آقای جهانگیری حتماً یک معاون اول قدر است که در خیلی زمینه‌ها از آقایان سرتر است و انتظار جامعه هم از او بالاست، بنابراین اگر طوری شود که شخص غیرتصمیم‌گیری باشد حتماً باید از دولت خارج شود. همچنین همانطور که آقای آخوندی تا حدود زیادی افکار عمومی و نخبگان را روشن کرد و پیروزمندانه(!؟) کناره‌گیری کرد آقای جهانگیری هم باید همین کار را انجام دهد.

وی در عین حال گفت: تصمیم‌گیری درباره بحران ارزی بیشتر از آنکه به نام آقای روحانی تمام شود به نام آقای جهانگیری تمام شد. من اگر جای آقای جهانگیری باشم می‌ماندم، بحران ارز را به یک جا می‌رساندم و بعد از مرحله تثبیت ارز از دولت خارج می‌شدم. البته خروج جهانگیری، ضایعه بزرگی برای دولت خواهد بود. اما بهترین موقعیت برای خروج انتخابات مجلس است.

دولت روحانی بعد از برجام تمام شد

یک فعال اصلاح‌طلب می‌گوید دولت روحانی بعد از برجام تمام شد.

نقی آزاد ارمکی در گفت‌وگو با روزنامه آرمان و در پاسخ این سوال که «دولت نه به وعده‌های خود عمل کرده و نه پاسخگوی مطالبات کوتاه مدت بوده، ارزیابی شما از این رویکرد چیست؟» اظهار داشت: من معتقدم موقعیت دولت آقای روحانی با آقای هاشمی، رئیس دولت اصلاحات و احمدی‌نژاد فرق می‌کند. از این جهت که دولت روحانی بعد از برجام تمام شد. وقتی که برجام به هم ریخت دولت روحانی نیز به اتمام رسید چون تمام هویت دولت را بر برجام گره زده بود. وقتی برجام مورد مناقشه قرار گرفت دولت روحانی هم دچار مشکل شد.

وی افزود: آقای روحانی ایده دیگری را به جز برجام مطرح نکرده بود. اگر ایده دیگری داشت هم چندان ایده‌های مهمی نبوده و نیستند. مثلا روحانی هیچ وقت نگفته بود که من می‌خواهم در کشور سطح جدیدی از دموکراسی را مستقر یا توسعه ایجاد کنم. روحانی در سایه رقیب سخن گفت. وقتی انتخابات دور دوم پیش آمد رئیس‌جمهور حرف جدیدی نزد و فقط نقد رقیب کرد. اما چون با تعامل با آقای جهانگیری توانستند بازی متن انتخاباتی کنند. بازی را بردند نه اینکه ایده درستی دهند. آنها اصلا ایده جدیدی در انتخابات ارائه ندادند. اگر به دنبال مفهومی به نام صلح آشتی ملی یا رشد و توسعه و افزایش امید ایرانیان، یا بازگشایی هویت ایرانی حداقل ایده جدید بود، اما روحانی هیچ چیز جدیدی نداشت. ارمکی تصریح کرد: چیزهایی هم که گفته شد ایما و اشاره بود و بحث اصلی نقد رقیب بود. جامعه نیز چون می‌خواست رقیب روحانی نیاید به وی رای دادند. حالا هم تقلای اصلی رئیس‌جمهور این است که برجام را سروسامان دهد. اما پروژه‌های دیگر را زمین گذاشته است. روحانی اصلا کاری به پروژه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی ندارد. جامعه‌ای که این همه بحث نابرابری اقتصادی در آن می‌رود، یک نفر در کابینه وجود ندارد که بحث تز اجتماعی یا رفاه اجتماعی را مطرح کند. وزیر رفاه و تامین اجتماعی سابق دولت نیز که خیلی داعیه این کار را داشت هیچ‌وقت چنین بحثی را نداشت. این خیلی مهم است، دولتی که در چرخه مهم اجتماعی قرار گرفته، خود را تغییر نمی‌دهد و بر اساس سخنان دیروز عمل می‌کند.

وی خاطرنشان کرد: تامل‌برانگیز اینکه کشوری که مشکل اقتصادی دارد وزارت اقتصادش وزیر ندارد. این نشان می‌دهد که دولت از تز اقتصادی، مناسبات اجتماعی و فرهنگی تهی و پایان یافته است.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
۳۳۹۱۶۵۴۶ تمام ساعات شبانه‌روز

سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳

* فوکویاما نظریه‌پرداز معروف آمریکایی که لیبرال دموکراسی را پایان تاریخ می‌دانست انتقاد تندی به لیبرال دموکراسی کرده است چه قدر حقیرند شیفتگان این نظریه در ایران که سخنان فوکویاما را سانسور کرده و اصلا به آن نپرداختند!

۰۲۱---۶۱۷۲

* کنار رفتن آقای آخوندی از وزارت از طریق استعفا دلیل بر وجود اختلاف در پیکره دولت است. وقتی دولتمردان یکدیگر را قبول ندارند و با این حال همدیگر را در قدرت شریک می‌کنند برایشان مهم نیست بر سر ملت و کشور چه می‌آید.

۰۹۳۶---۶۱۵۸

* آقای آخوندی و کسانی که او را به رغم غلط‌کاری‌هایش در مسئولیت نگه داشتند باعث وارد شدن زیان به متقاضیان مسکن مهر شدند. مجلس نباید به سادگی از این زیانی که به مردم وارد شده است گذر کند.

۰۹۱۹---۵۲۷۶

* کنار رفتن آقای آخوندی از وزارت راه و شهرسازی کافی نیست. ایشان ۵ سال تمام مسکن مهر را بلاتکلیف نگه داشتند بدون اینکه هیچ‌گونه جایگزینی داشته باشند و بسیاری از خانواده‌ها بیچاره شدند.

۰۹۱۲---۴۵۱۷

* کناره‌گیری آخوندی با این همه خسارتی که با افزایش قیمت مسکن، عدم تکمیل مسکن مهر، عدم کمترین اقدامی برای پروژه خیالی مسکن اجتماعی و... به مردم زد، کافی نیست. ایشان باید پاسخگوی این خسارت‌ها باشند. مدعی‌العموم و مجلس به سادگی از کنار این همه خسارت‌هایی که ایشان به وجود آورده‌اند نگذرند.

۰۹۱۲---۴۵۱۷ و ۰۹۱۲---۳۹۴۹

* کناره‌گیری آخوندی و شریعتمداری نشان‌دهنده عمق اختلافات در دولت روحانی است. ظاهرا حزب کارگزاران قصد دارد برای مجلس بعدی لیست اختصاصی بدهد تا وزن خود را در برابر دیگر مدعیان اصلاح‌طلبی و اعتدال بسنجد! فقط این وسط می‌ماند اینکه مردم چه گناهی کرده‌اند؟!

گروسی

* وزیر طلبکار از مردم وزارت راه و شهرسازی بعد از ۵ سال متوقف کردن ظرفیت‌های کشور استعفا کرد و کنار کشید. مطمئن هستم که او به همه مجلسی‌ها و نمایندگان که چند بار به ایشان رأی اعتماد دادند می‌خندد.

۰۹۱۱---۰۰۴۹

* تنها دستاورد آقای آخوندی در طی ۵ سال وزارت، خرید ۳ فروند هواپیمای مرجوعی دیگر کشورها بود که با ذوق و شوق آن را از دستاوردهای حضور در وزارت راه می‌دانست!

۰۹۳۶---۱۷۰۰

* آقای آخوندی! از پس امروز فردایی هست مگر شما نبودید که می‌گفتید با برجام تمام مشکلات حل خواهد شد نتیجه این عوامفریبی‌ها گرفتار شدن بیشتر مردم شده است و امروز خیلی راحت خودتان را کنار می‌کشید.

۰۹۱۲---۶۵۶۸

* بنده از استعفای وزرای راه و صنعت خیلی خوشحال شدم، چرا که بسیاری از مشکلات و گرفتاری‌های امروز جامعه از ناحیه همین دو وزارتخانه بود! تنها کار مثبت آخوندی در طول این پنج سال همین استعفاست!

۰۹۱۵---۱۶۴۸ و ۰۹۱۵---۱۷۱۳ و ۰۹۱۵---۲۹۸۶

* پیشنهاد آقای محمد شریعتمداری وزیر صنعت و معدن برای وزارت کار و اموراجتماعی توهین به شعور ملت محسوب می‌شود. ایشان اگر شایستگی در سطح وزارت داشتند در همان وزارتخانه قبل ابقا می‌شدند و ادامه می‌دادند.

۰۹۱۵---۱۶۴۸

* امیدوارم وزرای ناکارآمدی که استعفا کرده‌اند مجددا مثل سیف به کارگیری نشوند و این استعفاها هم نمایشی نباشد تا شاید در این عمر کوتاه باقیمانده دولت شکوفایی، رونق، سازندگی و خروج از رکود، کاهش نرخ بیکاری، کاهش تورم و گرانی و... را شاهد باشیم.

بی‌نظیر

* با تعقیب لحظه‌ای قیمت‌ها توسط آقای رئیس‌جمهور دردی از این مردم درمان نمی‌شود. گرانی و تورم لجام‌گسیخته مردم را به ستوه آورده است. نمایندگان مجلس حداقل جلوی پرداخت حقوق‌های نجومی را بگیرند.

۰۹۱۲---۱۸۸۳

* رهبر معظم انقلاب در دیدار نخبگان علمی حقایق مهمی را درباره انحصارگری علمی استکبار با محروم کردن بلاد اسلامی از وجود و ذهن نخبه دانشمند از طریق حذف فیزیکی، امحاء فرهنگی، مشغول کردن نخبه به کار فرعی بیان کردند. در این زمینه علاوه بر ترور فیزیکی پخش شایعه برای بدبین کردن جامعه نسبت به دستاوردهای هسته‌ای نفوذ بین مسئولان غربگرا و فریب آنها برای اجرای طرح‌های استعماری در جهت به یغما بردن دستاوردهای فناوری هسته‌ای و... نفوذ در بدنه مدیریتی سازمان اتمی برای اجرای سیاست تطمیع و فشار مالی به منظور وادار کردن نخبه‌های هسته‌ای به خروج از کشور و به استخدام غرب درآمدن یا رفتن به سمت مشاغل غیر مرتبط و... مسائل دغدغه‌آفرینی است.

۰۹۹۰---۷۲۱۱

* نفوذی‌های در دولت و مجلس کار خودشان را در تصویب چهار لایحه مربوط به FATF کردند. از سوی دیگر مدیران دوتابعیتی هم به کار خود که سنگ‌اندازی در راه پیشرفت کشور است مشغولند. راه نجات مملکت بیرون راندن این دو جماعت نامحرم از قدرت توسط مردم در انتخابات است.

۰۹۱۳---۸۶۴۷

* کسانی که باعث شدند کارت سوخت از گردونه خارج و این همه منابع کشور دود شود و خسارت به کشور وارد شود باید توسط مدعی‌العموم و دستگاه قضایی احضار و محاکمه شوند!

۰۹۱۶---۱۳۷۵

* به اعضای محترم شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام عرض می‌کنم، آل‌سعود و رژیم جعلی صهیونیستی، دو ناظر اصلی CFT هستند! قتل فجیع خاشقجی سندی زنده و آشکار از ناکارآمدی این معاهده شوم است که صرفاً برای مهار ایران طراحی شده است. لطفاً با عنایت به مواضع صریح رهبری و برخی نمایندگان دلسوز مجلس، جلوی این خسارت محض جدید را بگیرید!

۰۹۱۲---۲۵۹۹

* به لیبرال‌های وطنی عرض می‌کنم، این انقلاب مفت به دست نیامده که مفت از دست برود. ماحصل خون هزاران هزار جوان برومند است. لذا ممکن است حرکت مردم را کند کنید ولی هرگز نخواهید توانست آن را متوقف کنید. پس بهتر است که هرچه زودتر با خیل عظیم ملت خدایی همراه و همسو شوید.

۰۹۱۷---۴۱۹۰

* چرا عده‌ای این قدر اصرار بر ماندن شهردار بازنشسته تهران دارند؟ آیا در این جماعت، قحط‌الرجال است؟!

۰۹۱۵---۱۳۸۲

* برای نجات کشور راهی غیر از ورود نیروهای انقلابی به عرصه برنامه‌ریزی و اجرا باقی نمانده است. مردم باید از طریق انتخابات میدان را برای مدیریت نیروهای پرکار و کم‌هزینه فراهم بکنند تا مملکت پیشرفت بکند.

۰۹۱۱---۳۷۰۴

* با کشته شدن خاشقجی منتقد عربستانی توسط آل‌سعود آمریکایی‌ها با گرفتن رشوه سکوت اختیار کردند آیا اگر این حادثه در ایران اتفاق می‌افتاد سازمان‌های حقوق بشر مثل الان سکوت می‌کردند؟

۰۹۱۴---۹۵۹۰

* به غربزدگان نفوذی در بدنه نظام می‌گویم کور خوانده‌اید که بتوانید مقاصد غرب را در کشور شهیدپرورمان اجرا کنید... به برکت خون شهدا و همچون شهیدان با چنگ و دندان از میراث شهدا و امام شهیدان با تبعیت از ولایت ان‌شاءالله پاسداری خواهیم کرد و آرزوهای غرب و غرب‌باوران را بر دلشان خواهیم گذاشت!

سیدجواد حسینی- مشهد مقدس

* تصمیم پرداخت ارز مسافرتی به زائرین اربعین حسینی کاری درخور تقدیر است ولی امید است با ساز و کار مناسب از اتلاف وقت و صف‌های طولانی در مدت کوتاه این سفرجلوگیری شود.

نیکنام

* برخی مستمری‌بگیرها و بازنشستگانی که یک میلیون تا ۴-۳ میلیون دریافتی دارند از وضع و اوضاع گرانی، تورم و... می‌نالند. من چه بگویم که بعد از ۳ سال بازنشستگی حدود پانصد هزار تومان دریافتی دارم، با ۲ جوان بیکار و ناتوانی مالی در تامین داروهای ماهانه خود و همسرم.

پورمحبی

تسلیت به همکار

با نهایت تاسف با خبر شدیم همکارمان آقای فریدون پری‌نژاد خبرنگار کیهان در کیش در غم از دست دادن یکی از نزدیکان خود به سوگ نشسته است. ضمن تسلیت به ایشان برای آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو داریم.